

خانه نیاوران

قبول آنچه هست!

همیشه یک گروه از افراد برای من تحسین برانگیز بوده‌اند: کسانی که در هر شرایطی، شکرگزار خداوند خویش هستند و زندگی را از این منظر تماشا می‌کنند.

البته بگذریم از متظاهری که حتی شکرگزاری‌شان از روی معامله و یا ترس است و نگران آن هستند که مبادا دچار غضب خداوندی و محروم از نعمات او بشوند، بلکه مقصود من افرادی است که با آرامش و طیب خاطر و از روی اعتقاد درونی به زندگی نگاه کرده و به همین دلیل سپاسگزار دائمی‌اند.

چندی پیش هم داستانی کوتاه - حداکثر در دو سه پاراگراف - با همین مضمون خواندم که راوی آن داستانی که در بدترین شرایط و سخت‌ترین اوضاع، خود را این گونه متقاعد می‌کرد که شرایط می‌توانست بدتر از این هم باشد. بنابراین با خود تکرار می‌کرد: روزهای خوبی را سپری می‌کنم و از آن راضی و سپاسگزارم، حتی اگر زن و فرزندم این را درک نکنند و دائم از اوضاع مالی گله‌مند باشند... چون می‌توانستم در شرایطی دیگر، آدم ثروتمندی باشم ولی به ناگاه یکی از عزیزانم را از دست بدهم... پس محدودیت‌های مالی امروز را با جان و دل قبول می‌کنم!

این نوع نگاه کردن به زندگی در واقع یک ویژگی تحسین برانگیز دارد و آن هم نتیجه و عاقبت کار است: معمولاً این افراد هر سختی و ناملایمی را می‌گذرانند و به آرامش و حتی آسایش بعد از آن می‌رسند. حتی انگیزه آدم وقتی با این سیاق به زندگی می‌نگرد، تفاوت می‌کند: زندگی یعنی عبور موفق از این پستی و بلندی‌ها! زندگی یعنی قبول تمامی آنچه امروز داریم و یا نداریم!

این چند سطر مقدمه‌ای برای داستان امروز ماست: داستانی با فراز و فرودهای عاشقانه که قهرمانان آن، همه را متحمل میشوند تا به خواسته خویش برسند و بر این راه اصرار می‌ورزند. در واقع نتیجه خواندن داستان‌هایی از این دست، بالا بردن ظرفیت ما آدم‌ها است تا بپذیریم چگونه از هر تنگنایی در زندگی یک موقعیت بسازیم و آن را در راه ارتقاء خویش به کار بندیم.

شاید بتوان عشق را با این بیان نیز تعبیر کرد که همین ایستادن‌ها و مقاومت کردن‌ها برای رسیدن به خواسته‌ای منطقی (همراه با احساس) خود عشق است. گاهی رسیدن یا نرسیدن در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد و اصل برای ما، تلاش و خواستن است. پس متقاعد کردن خویش برای سپاسگزاری، و همواره کنار آمدن با شرایط زندگی، هنری است که باید آموخت و گرنه شاکی بودن از شرایط می‌تواند ساده‌ترین راهکار باشد... ساده‌تر اما تلخ‌تر در تمام لحظات عمر!

زندگی تان پر از آرامش و رضایت خاطر!

بهمن رحیمی

دی ماه ۱۳۹۰ - تهران